

نگاهی عمیق تر به کتاب «عدالت از نظر علی (ع)» به انگیزه ۱۲ اردیبهشت، سالگرد شهادت استاد مطهری

یادگاری استاد از ۶۲ سال پیش



اسماعیل بنده خدا

فعال

حوزه کتاب

نهضتی که امام بزرگوار ما سال ۴۱ آغاز کرده بود برای رشد و فراگیر شدن و مقبولیت یافتن در عقول متفکران و سپس عموم مردم، نیازمند

یک مبارزه فکری و اندیشه‌ای بزرگ بود. چه هیچ جنبش، نهضت یا انقلابی، بدون پایه‌های فکری و علمی دقیق و عمیق به اقبال و موفقیتی دست نخواهد یافت و در نهایت در حد آشوبی گذرا خواهد بود که مانند یک چوب کبریت به سرعت آتش می‌گیرد و به همان سرعت نیز خاموش می‌شود.

نهضت نوپای امام نیز نیاز به اندیشمندانی داشت تا غبار جهالت‌ها و تعصب‌های بیجا را از ذهن مردم کنار بزنند و افق‌های روشن را به آنان نشان دهند. این همان چیزی بود که استاد مطهری؛ شاگرد امام و دل‌داده قرآن و نهج البلاغه به خوبی فهمیده بود و کمر همت بسته بود تا در حرکتی جهاد گونه به طول حدود ۲۰ سال، گام در مسیر مبارزه‌ای سخت و نفسگیر علیه تعصب‌ها، جهالت‌ها، کج‌فهمی‌ها و نادانی‌ها بگذارد. ۲۰ سال که البته اثرات آن سال‌ها ماندگار خواهد بود و از بین نخواهد رفت.

اودر هر موقعیتی که همه‌ای به اسلام و قرآن و احکام و اصول اسلامی می‌دید، با کلام ساده، منطق متقن، تسلط کامل و آشنایی کم نظیر در عصر خود نسبت به مکاتب و فلسفه‌های روز دنیا، به مقابله برمی‌خاست و مانند سدی محکم در برابر آن سیل‌های ویرانگر ذهن و اعتقادات مردم می‌ایستاد.

بدون شک صحبت درباره تمام ابعاد و زوایای شخصیت و جهاد فکری شهید مطهری، نیاز به ساعت‌ها وقت و نوشتن کتاب‌های بسیار دارد که مجال آن نه در این متن کوتاه که حتی در کل روزنامه هم نیست. غرض تنها مقدمه‌ای کوتاه و موجز بود درباره آن شهید اندیشمند مسلمان مبارز، به بهانه معرفی یکی از کتاب‌های ایشان با نام «عدالت از نظر علی (ع)».

یادگاری از رمضان ۱۳۴۰

این کتاب متن پیاده و ویرایش شده دو سخنرانی از شهید مطهری در موضوع عدالت و موضع امیرالمومنین علی (ع) درباره عدالت است. گفتار اول در شب ۱۹ رمضان ۱۳۴۰ شمسی و گفتار دوم با عنوان «تفاوت‌های بجا و تفاوت‌های بیجا» در ۲۳ رمضان همان سال ایراد شده است. این دو گفتار قبلاً در کتاب «بیست گفتار» ایشان موجود بود که به علت نمود بیشتر، خوشبختانه خود به صورت یک کتاب مجزا چاپ شده است.

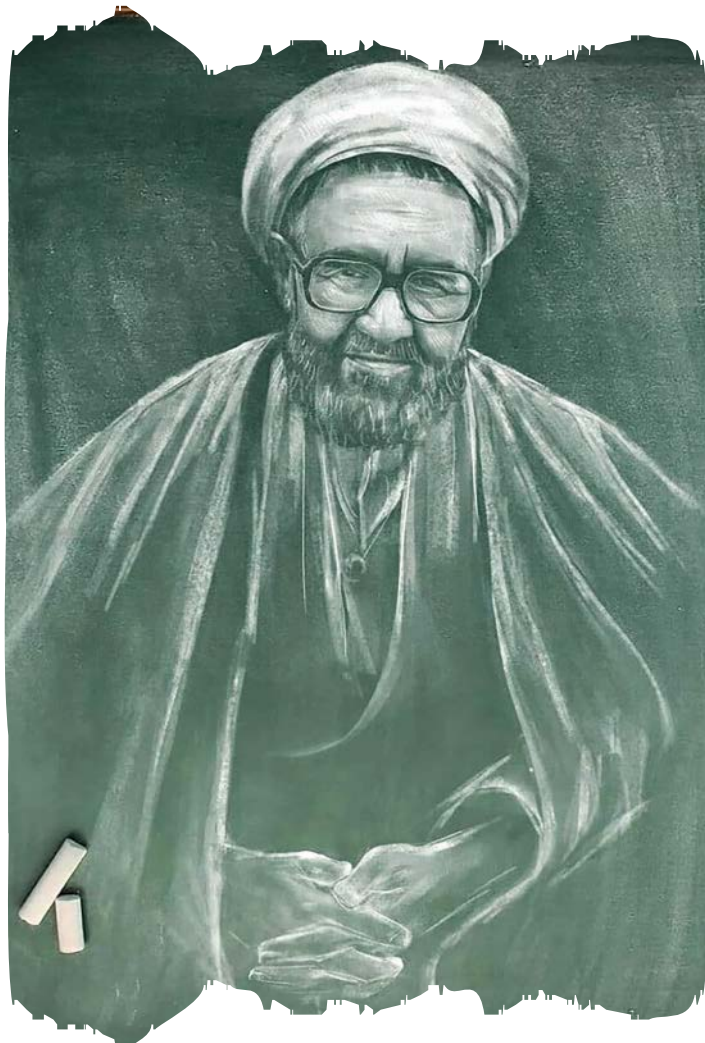
شهید مطهری در این کتاب با استناد به آیاتی از قرآن مجید، هدف کلی تمام ادیان آسمانی از جمله دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین با موازین عدالت ذکر می‌کند. به خصوص در مذهب حقه تشیع که امامت و عدل اختصاصاً از اصول دین شمرده می‌شود و گاهی این دو را اصل مذهب می‌نامند. شهید مطهری سپس با گریز به وجود مقدس حضرت علی (ع) به عنوان مولا و آقا و رهبر شیعیان، ایشان را امام عادل علی الاطلاق، مجسمه عدل، حق، انصاف و نمونه کامل برقراری عدالت می‌نامد و با بیان مواضع، سبک رهبری و سبک زندگی ایشان، دلیل این القاب شایسته را توضیح می‌دهد.

اصرار بر عدالت

شهید مطهری سپس در کتابی با عنوان «علی؛ شهید عدالت» ضربتی که به فرق ایشان خورد را ضربتی در راه تصلب و انعطاف‌ناپذیری از حق و عدالت و دفاع از حقوق انسان‌ها بیان می‌کند. ضربتی که به مرارت‌ها، مجاهدت‌ها، مشقت‌ها و رنج‌های او در این راه خاتمه داد و با فزت و رب‌الکعبه او را آسوده کرد. شهید مطهری با بیان این‌که مفهوم عدالت برای امام علی (ع) صرفاً یک مسأله اخلاقی و فضیلت اخلاقی نبود، عدالت را فلسفه اجتماعی و نوع تفکر او برمی‌شمرد که بر اجرای آن اصرار می‌ورزید و فلسفه اجتماعی اسلام هم همین را اقتضا می‌کند و علی (ع) نیز مظهر تام و تمام و اصل تفکر اسلام بدون انحراف بود. او نه فقط عادل بود، بلکه عدالتخواه نیز بود. فرق بسیار است بین این دو. عادل خود عادل است اما عدالتخواه عدل و انصاف را برای تمام مردم می‌خواهد و در راه آن می‌کوشد.

دلیل اصلی پذیرفتن خلافت بعد از قتل عثمان

شهید مطهری سپس با تفسیر یک حدیث از امام علی (ع) در باب تفاوت جود با عدل، بحث بسیار شیرین و دقیقی را آغاز می‌کند. حضرت



شهید مطهری

سپس در کتابی

با عنوان «علی؛

شهید عدالت»

ضربتی که به

فرق ایشان

خورد را ضربتی

در راه تصلب و

انعطاف‌ناپذیری

از حق و عدالت

و دفاع از حقوق

انسان‌ها بیان

می‌کند

علی (ع)، عدل را حتی بالاتر و برتر از جود و احسان بیان می‌کند و شهید مطهری این دو مطلب را از دید اجتماعی و فردی به صورت مجزا بررسی و با زبان ساده اما علمی به مخاطب منتقل می‌کند.

ایشان سپس با استناد به سخن خود حضرت دلیل اصلی پذیرفتن خلافت بعد از قتل عثمان را برهم خوردن عدالت اجتماعی عنوان می‌کند. این‌که جامعه به دو طبقه تقسیم شده بود که گروهی از ثروت‌های خود آن قدر می‌خوردند که بیمار و گروهی از فقر و گرسنگی بیمار می‌شدند. در این شرایط است که کسی مانند علی (ع) پس از سال‌ها سکوت و خون دل خوردن به میدان می‌آید و همه هستی خود را برای تحقق عدالت و رفع تبعیض و اختلافات طبقاتی می‌گذارد و در انتها در راه عدالت خود شهید می‌شود. «و قتل فی محرابه لشدۀ عدله...»

علی (ع) نه فقط عدالت را در زمانه خود برقرار می‌کند بلکه عطف به ما سبق نیز کرده و تضييع حقوق و ناعدالتی‌های گذشته را نیز کنار نمی‌گذارد و در قول معروف خود می‌فرماید اگر بیت‌المال حتی در مهریه زنان تان نیز باشد، آن را پس خواهیم گرفت و به حق دار خواهیم رساند.

تفاوت عدالت و مساوات

شهید مطهری در بخش دوم کتاب بیشتر به تفاوت عدالت و مساوات می‌پردازد و این مسأله را طرح می‌کند که آیا هر نوع تفاوتی در جامعه بین آحاد و افراد مختلف مردم باشد، برخلاف عدالت است؟ و آیا مقتضای عدالت این است که افراد هیچ امتیاز و برتری بر یکدیگر نداشته باشند؟ اگر این طور نیست، پس ملاک و معیار این برتری‌ها در چیست؟ این طرح سوال دقیق و جواب بسیار موشکافانه و جامعی که به سوال داده می‌شود، بحثی اجتماعی- اعتقادی را شکل می‌دهد که به شدت درخشان است و مطالعه و فهم آن بسیار لذت بخش.

پیشنهاد می‌کنم اگر می‌خواهید یکی از کتاب‌های کوتاه اما پرمغز شهید مطهری را بخوانید یا می‌خواهید مطالعه‌ای اختصاصی درباره عدالت داشته باشید یا اگر می‌خواهید کتابی درباره منش و روش زندگی و حکومت‌داری مولای متقیان علی (ع) بخوانید، کتاب «عدالت از نظر علی (ع)» یکی از بهترین کتاب‌ها برای شماست.

